

[حقیقت وضع 1](#_Toc506016633)

[مسلک تعهد 2](#_Toc506016634)

[مسلک جعل ملازمه 2](#_Toc506016635)

[اشکال: بی اثر بودن مسلک جعل ملازمه 2](#_Toc506016636)

[جواب: مسلک جعل ملازمه بی اثر نیست 2](#_Toc506016637)

[مسلک هو هویت 3](#_Toc506016638)

[اشکال اول: دقی بودن مسلک هو هویت 3](#_Toc506016639)

[اشکال دوم: عدم سازگاری مسلک هو هویت با غرض از وضع 3](#_Toc506016640)

[جواب: عدم وارد بودن اشکال دوم 3](#_Toc506016641)

[مسلک قرار دادن و جعل شی عل شی 3](#_Toc506016642)

[اشکال به ابعدیت از عرف و جواب ان 4](#_Toc506016643)

[اشکال دوم: قیاس وضع اعتباری با تکوینی مع الفارق است 4](#_Toc506016644)

**موضوع**: مسلک تعهد /حقیقت وضع /مقدمات علم اصول

**خلاصه مباحث گذشته:**

در جلسه قبل استاد به بیان مسلک تعهد پرداختند و بعد از بیان ان به خصایص ان وارد شدند و فرمودند دو خصیصه دارد یک اینکه بنابر بر این مسلک وضع منشا دلالت تصدیقیه است و دوم اینکه هر شخصی واضع است. سپس به بیان دلیل ان پرداختند و فرمودند دو دلیل بر ان اقامه شده است یکی اینکه بقیه مسالک باطل هستند و دوم وجود هماهنگی بین غرض و عملیات وضع در مسلک تعهد است. و دو شاهد نیز بر ان اقامه شد یکی شهادت وجدان و دوم اینکه مناسبت معنای لغوی وضع با مسلک تعهد است. بعد دو اشکال را بر این مسلک طرح کردند یکی وجود دور و دیگری خلاف ارتکاز عقلایی بودن این مسلک بود که از هر دو اشکال جواب دادند.

# حقیقت وضع

هر چند که این مساله در طریق استنباط قرار نمیگیرد ولی در ضمن بعضی از مسائل فقهیه این مطلب مطرح میشود که مثلا طبق فلان مسلک نتیجه فلان میشود فلذا بحث از حقیقت وضع عقلایی است و مجال دارد.

## مسلک تعهد

قبول این مسلک متوقف بر چند مطلب است. اول اینکه سایر مسالک باید ابطال بشود تا به این مسلک ملتزم بشویم ولی اگر بعضی از مسالک درست باشد ارتکاز عقلاء با انها نیز قابل تحلیل است فلذا خود مرحوم خویی ابتدا سایر مسالک را باطل کرده است و ما باید سایر مسالک را بررسی کنیم تا نتیجه معلوم شود.

## مسلک جعل ملازمه

بعضی میگویند: حقیقت وضع عبارت است از ارتباط ملازمه بین لفظ ومعنا است. بعضی از موارد خودشان تکوینا ملازمه دارند بدون اینکه جعل جاعل را نیاز داشته باشد مثلا وجود دود ملازمه با وجود اتش دارد اما بحث الفاظ و معانی نیاز به جعل جاعل دارد و شاهد بر عدم ذاتی بودن ملازمه، وجود معانی منقول است و الا اگر ذاتی بود که معانی منقول معنا نداشت. اعتباریات یک صورتی از واقعیات هستند مثلا زوجیت یک واقعیت تکوینی است و عقلاء ان را اعتبار برای ارتباط خاصی گذاشتند. و این وضع یک منشا خارجی دارد که واضع ان را به یک صورت خاص دراورده است.

### اشکال: بی اثر بودن مسلک جعل ملازمه

در محاضرات فرموده است[[1]](#footnote-1) که این ملازمه اعتباریه که واضع قرار داده است یا در خارج است که لغو است زیرا باید ملازمه بین وجود ذهنی لفظ و معنا باشد تا تفاهم حاصل شود و جعل ملازمه در ذهن اگر باشد باز هم فایده ندارد زیرا اگر مطلق است که برای جاهل به وضع، لغو است زیرا اثری ندارد مثلا جعل ذهنی در زبان انگلیسی برای کسی که جاهل به ان زبان است که فایده ندارد. اگر برای عالم به وضع جعل کرده است باز هم لغو است زیرا برای کسی که عالم به وضع است که فایده ندارد. فلذا تفسیر وضع به جعل ملازمه اشتباه است.

#### جواب: مسلک جعل ملازمه بی اثر نیست

مثل این که مسلک تعهد نزد ایشان خیلی واضح بوده است و بنا بوده که سایر مسالک را ابطال کند زیرا جعل ملازمه به وجود ذهنی که بالوجدان نیست. اینکه ایشان گفته است که این مسلک اثر ندارد چون تفهیم زمانی که ذهنی باشد درست نیست زیرا وقعی جعل شد و شخص عالم به این ملازمه شد هر وقت لفظ را بشنود به معنا منتقل میشود و واضع بین لفظ و معنا ملازمه برقرار میکند تا بعد از علم به ان سامع دلالت پیدا کند نظیر اینکه شارع میگوید که شرب خمر حرام است و علم را در ان نمیاورد و وقتی که مکلفین علم به ان پیدا کردند متحرک میشوند و منجزیت و معذریت به وجود میاید.

مرحوم اغا ضیا ملازمه را واقعیه میداند[[2]](#footnote-2) ولی نه اینکه تکوینی باشد بلکه اعتباری است که منشا یک امر واقعی میشود و ان همان دلالت مخالطب است نه اینکه وضع جعل ملازمه تکوینی باشد و اینکه مرحوم خویی فرموده است که ملازمه واقعی ما را به غرض نمیرساند در جواب میگوییم که خود وضع اعتباری است ولی منشا یک امر تکوینی میشود و این که مشکلی ندارد مانند جعل احکام که اعتباری است ولی منشا تحرک مخاطب میشود

## مسلک هو هویت

وجودات را تقسیم به چند نوع کرده است در بحث ما واضع میگوید که به جای اینکه خود هیکل خارجی زید را نشان بدهم لفظ زید را نازل منزله ی همان هیکل خارجی میدانم و به جای این که خودش را برای شما حاضر کنم فلان لفظ را میگویم.

### اشکال اول: دقی بودن مسلک هو هویت

در محاضرات فرموده است[[3]](#footnote-3) که این یک معنای دقیقی است که عرف ان را نمیفهمد و عرف از این مطالب دقیق خبر ندارد.

### اشکال دوم: عدم سازگاری مسلک هو هویت با غرض از وضع

علاوه بر این جعل هو هویت واضع را به غرضش نمیرساند زیرا تفاهم اقتضای اثنینیت میکند و با دال به مدلول میرسیم اما در این مسلک عینیت وجود دارد و با غرض سازگاری ندارد.

#### جواب: عدم وارد بودن اشکال دوم

ما اشکال اول را قبول میکنیم و ارتکاز عرف بر این مسلک نیست اما اشکال دوم وارد نیست زیرا اگر منظور تفاهم است که با عینیت سازگار تر است و بهتر به غرضش میرسد وقتی لفظ خود هیکل خارجی است که بهتر مخاطب منتقل میشود.

## مسلک قرار دادن و جعل شی عل شی

حاج شیخ اصفهانی میفرماید[[4]](#footnote-4): وضع اعتباری مثل وضع تکوینی است وضع تکوینی عبارت است از همان قرار دادن. دوال تکوینی وضع دارند مثلا در پرچمی که عزا را میرساند وضع وجود دارد یعنی پرچم را در انجا گذاشتی تا مخاطب بفهمد که در این جا عزا است. و در محل کلام نیز وقتی وضع اسمی صورت میگیرد یعنی اسم را روی ان گذاشتی. وضع یعنی قرار دادن لفظ بر ان چیزی است. پس به وسیله وضع تکوینی وضع اعتباری را میتوان فهمید. و نتیجه ان اختصاص است و خود وضع اختصاص نیست بلکه نتیجه ی ان اختصاص است وقتی چیزی روی چیزی قرار داده میشود در نتیجه اختصاص پیدا میشود.

### اشکال به ابعدیت از عرف و جواب ان

در محاضرات فرموده است که این معنا دور از ذهن مردم است در حالی که این اشکال مجال ندارد بلکه نزدیک به ذهن است و با ارتکاز عرف سازگار تر است.

### اشکال دوم: قیاس وضع اعتباری با تکوینی مع الفارق است

علاوه بر این قیاس مع الفارق است. در دوال تکوینی یک موضوع(( پرچم))داریم و یک موضوع علیه((زمین)) و یک موضوع له((عزا)) است اما در بحث ما سه چیز وجود ندارد تا با ان قیاس شود بلکه یک موضوع(( لفظ)) و یک موضوع علیه(( معنا)) داریم و اینکه معنا موضوع له باشد از اغلاط است. و از تکوین به اعتبار نمیتوان رسید. و ما این مطلب را اضافه میکنیم و ان این است که در دوال تکوینی نظیر همان پرچم یک سیاهی وجود دارد که دلالت بر عزا میکند فلذا از این جهت یک قرار اعتباری وجود دارد و غیر از وضع تکوینی یک وضع دیگری صورت گرفته است و یک وضع قبلی وجود دارد در حالی که در بحث ما به این نحو است که با این وضع تازه میخواهیم به معنا برسیم. علاوه بر این در اینجا وقتی لفظ را بر شخص قرار میدهیم خود شخص مدلول است ولی در تکوینیات وقتی پرچم بر زمین قرارداده میشود زمین مدلول ما نیست. فلذا در وضع تکوینیات به مدلول نمیرسیم ولی در وضع اعتباری به مدلول میرسیم.

1. محاضرات ج 1 ص 40 [↑](#footnote-ref-1)
2. [نهایه الافکار، آقا ضیاء الدین العراقی، ج1، ص25.](http://lib.eshia.ir/13053/1/25/وضع) [↑](#footnote-ref-2)
3. محاضرات ج 1 ص 42 [↑](#footnote-ref-3)
4. [نهایة الدرایه فی شرح الکفایه، محمد حسین اصفهانی، ج1، ص47.](http://lib.eshia.ir/27897/1/47/وضع) [↑](#footnote-ref-4)